



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه

شهرستان: اصفهان

مقاله

جوان در سیره امام صادق (ع)

تهیه و تنظیم :

فاطمه لکی

نشانی مدرسه علمیه ریحانه: اصفهان- بلوار کشاورز- خیابان شهید

مفتح- جنب شهرداری منطقه ۱۳

آبان ۱۳۹۲



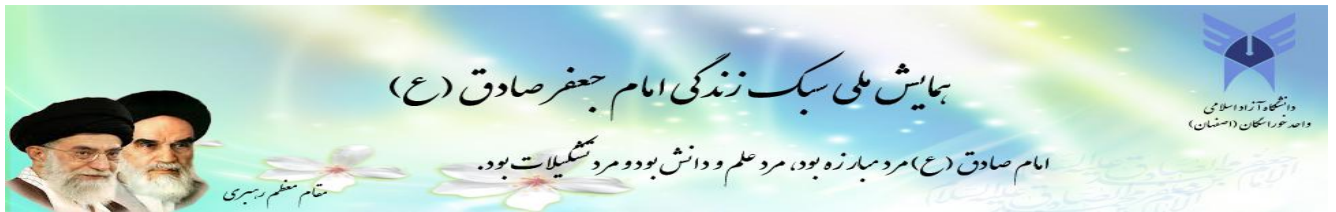
# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## چکیده:

جوانی بهترین فرصت زندگی برای سازندگی است و جوانان ارزنده ترین سرمایه های هر جامعه هستند. جوانی فرصت نیکو و نسیم رحمت است که باید به خوبی از آن بهره جست و با زیرکی و زکات و تیزبینی آن نعمت خدادادی را پاس داشت؛ زیرا که این فرصت «ربودنی» و رفتنی است و ضایع ساختن آن چیزی جز غم، اندوه و پشیمانی را برای دوران پس از آن به ارث نمی گذارد. زندگی کوتاه است و راه کار دراز و فرصت زودگذر تنها سرمایه گرانبهای ما وقت است که بازگشتی ندارد، از این رو بزرگترین فن بهتر زیستن بهره جستن از فرصتهای بی نظیر است که بر انسانها می گذرد.

کلام ائمه (علیهم السلام) بهترین نسخه راهگشای جامعه انسانی است که برای حفظ جوانان از آسیب پذیری و درمان آنها راههایی را ارائه کرده است. توجه به جوانان به خصوص در شرایط کنونی که جوامع اسلامی مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است اهمیت به سزایی دارد. شیوه های رفتاری و گفتاری امام صادق در برخورد با جوانان، که بهترین دستورالعمل در شناختن راههای درمان و مشکلات جوانان است در این مجموعه سخنان و شیوه رفتاری و گفتاری گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: جوان، سیره، آسیب پذیری.



## مقدمه:

جوانان و نوجوانان در هر جامعه ای گنجینه های سرشاری هستند که اگر مربیان و متولیان برای این قشر عظیم سرمایه گذاری شایسته انجام بدهند و این گروه فعال و پرشور را با رفتار حکیمانه و تکریم شخصیت و احترام به نیازها، به اهداف مطلوب و ایده آل خود هدایت نمایند.

هدف این تحقیق ارائه شیوه های رفتاری و گفتاری امام صادق در برخورد با جوانان، که بهترین دستورالعمل در شناختن راههای درمان و مشکلات جوانان است. که در این مجموعه سخنان و شیوه رفتاری و گفتاری گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته است که این باعث عدم غفلت از یاد خدا میشود که اگر همراه با تفکر و اندیشه باشد زمینه های رشد را فراهم میسازد. که پرداختن به علم و دانش در سیره امام صادق علیه السلام تاکید به سزایی شده است.

توجه به جوانان به خصوص در شرایط کنونی که جوامع اسلامی مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است اهمیت به سزایی دارد. جوان و امام صادق، منشور نسل جوان در سیره امام صادق (علیه السلام)، ارتباط با نسل جوان، نیک رفتاری با اهل معصیت، ضرورت ازدواج از جمله مباحثی است که به آن پرداخته شده است.

روش بکار گرفته شده در این تحقیق در مرحله ی جمع آوری اطلاعات، به صورت کتابخانه ای و فیش برداری بوده است که به روش دستی انجام گرفته است و با بررسی در آیات و روایات امام صادق (علیه السلام) و منابع و متونی که برای تایید و گستره ی بحث به آن پرداخته شده است مطالب، گردآوری شده است.



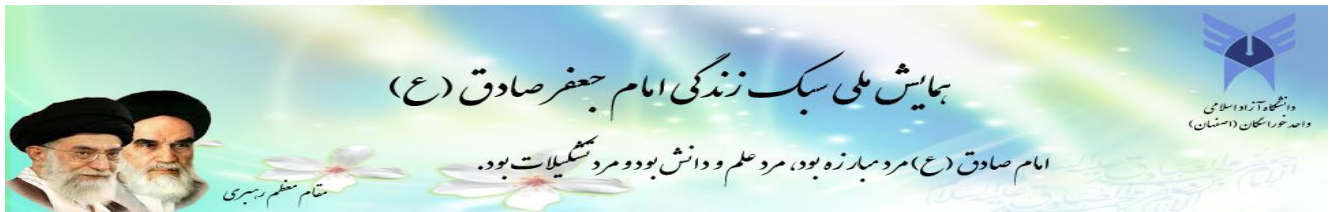
مقام معظم رهبری

# همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تسکینات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد خراسان (مشهد)



## ۱- جوان و امام صادق

نگاه مهربان امام صادق (علیه السلام) به جوانان، همراه با بزرگداشت شخصیت، تکریم استعدادها و صلاحیت‌ها، احترام به نیازها و توجه به قلب‌های پاک و زلال آنان بود و اقبال جمع جوانان به سوی امام (علیه السلام) فرایند عملکرد و رفتار متین، محبت‌آمیز، حکیمانه و سرشار از خلوص و عاطفه آن حضرت بود، بدان حد که سخنش بر اریکه دل آنان می‌نشست، زیرا گرایش جوان به خوبی، نیکی و زیبایی بیشتر و سریعتر از دیگران است. پدیده‌ای که امام بدان اشاره نموده می‌فرماید:

«انهم اسرع الی کل خیر؛ جوانان زودتر از دیگران به خوبیها روی می‌آورند.» (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۴۳)

رفتار و سخن امام صادق (ع) ترجمان حقیقی این گفته رسول خدا (ص) است که فرمودند:

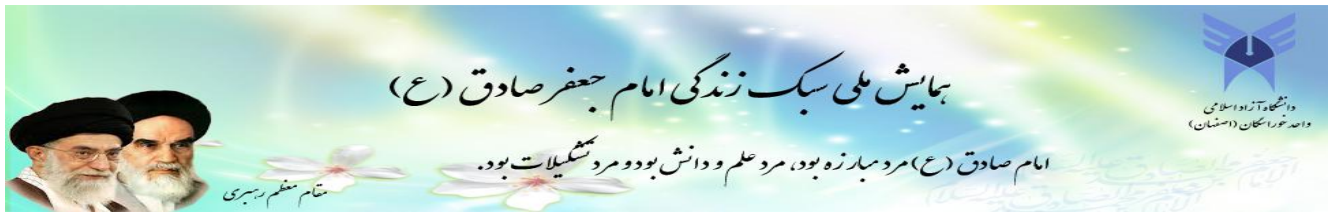
«اوصیکم بالشبان خیرا، فانهم ارق افئده» سفارش می‌کنم شما را که، با جوانان به خوبی و نیکویی رفتار کنید، چرا که آنان نازک دل و عاطفی ترند. ۱

امام ضمن توجه به روح لطیف و احساس آرمانی جوانان، یاران و نزدیکان خود را نیز به دقت و توجه در این نکات رهنمون می‌ساخت. از جمله، یکی از یاران امام به نام «مؤمن طاق» برای پیام رسانی و تبلیغ دین، مدتی را در شهر بصره گذراند. وقتی که به مدینه بازگشت، خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید، حضرت از او پرسید:

به بصره رفته بودی؟

آری!

اقبال مردم را به دین و ولایت چگونه دیدی؟



بخدا اندک است! می آیند ولی کم!!

جوانان را دریاب، زیرا آنان به نیکی و خیر از دیگران پیشتازترند.

## ۲- منشور نسل جوان در سیره امام صادق علیه السلام

جوانان و نوجوانان در هر جامعه ای گنجینه های سرشاری هستند که اگر مربیان و متولیان برای این قشر عظیم سرمایه گذاری شایسته انجام بدهند و این گروه فعال و پرشور را با رفتار حکیمانه و تکریم شخصیت و احترام به نیازها، به اهداف مطلوب و ایده آل خود هدایت نمایند.

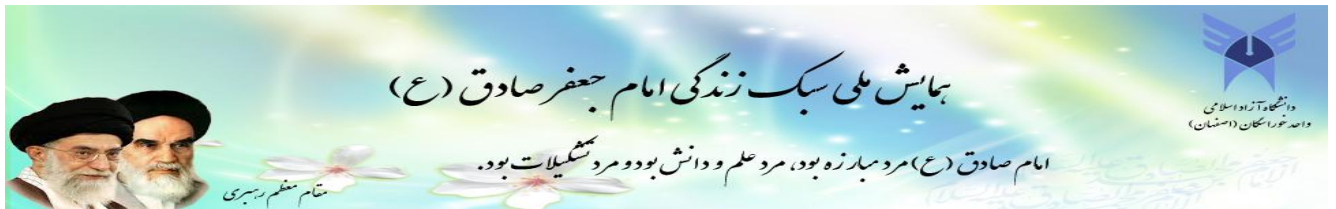
علاوه بر این که آنان را از خطر انحراف و تردید در هویت و آسیب های اجتماعی مصونیت بخشیده اند، قلب های پاک و زلال آنان را به سوی خوبی ها، زیبایی ها و اخلاق پسندیده رهنمون شده اند، و جامعه آینده را از نظر سلامتی و حفظ ارزش ها و فرهنگ، بیمه نموده اند.

امام صادق علیه السلام در مورد سرمایه گذاری معنوی برای نسل نو و حفاظت نوجوانان از گروه های منحرف و کج اندیش، می فرماید:

«با درو احداثکم بالحديث قبل ان يسبقکم اليهم المرجعة» نوجوانان خود را با احادیث ما آشنا کنید قبل از این که مرجعه (یکی از گروه های منحرف) بر شما پیشی گیرند. (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۰۴)

## ۳- ارتباط با نسل جوان

هدایت و تربیت نسل جوان به لحاظ اهمیتی که دارد امروزه بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و دل سوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت های رفتاری، هیجان های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم کنترل رفتار، حب ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار به شخصیت و تشخص طلبی و میل به آزادی، شمه ای از ویژگی های اوست.

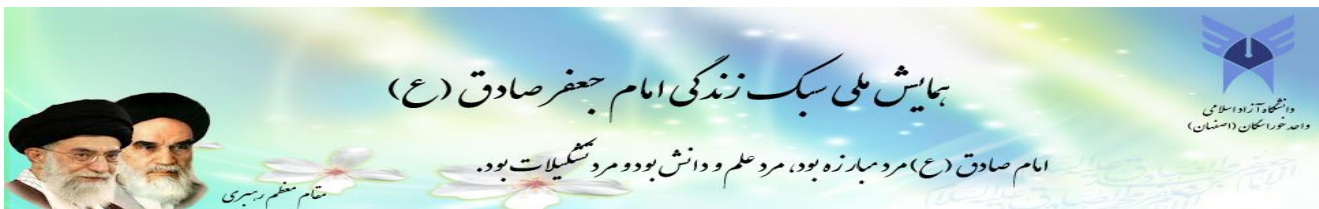


با توجه به این ویژگی ها، شیوه رفتاری امام صادق علیه السلام با جوانان، و همچنین سخنان و دستور العمل های آن حضرت برای جوانان و برخورد با آنان، بهترین نسخه شفا بخش و راهگشاست. نگاه های مهربان، بزرگداشت شخصیت، توجه به استعداد و صلاحیت آنان، احترام به نیازهای فردی و اجتماعی، رفتار محبت آمیز و حکیمانه و سرشار از عاطفه و خلوص، موجب جذب جوانان به سوی آن حضرت بود و شیفتگی آنان به رهبر خویش، ریشه در شیوه رفتار و گفتار آن حضرت نسبت به مخاطبین و شاگردان خویش دارد. آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابو جعفر؛ مؤمن طاق می فرماید:

«علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر؛ بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۹) ۲

در اینجا چند نمونه از در برخورد آن حضرت با نسل جوان می خوانیم:

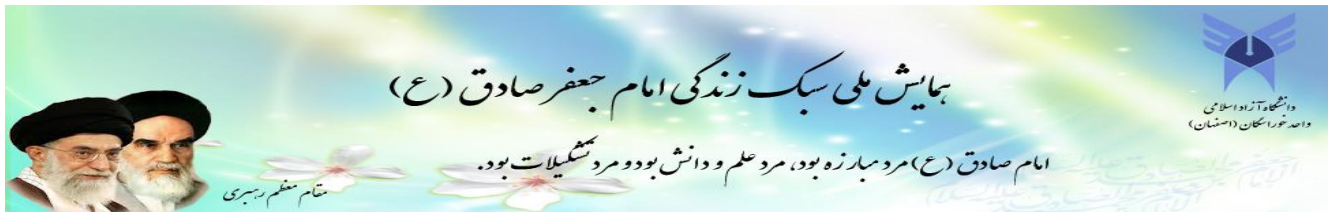
۱- آن روز یکی از شلوغ ترین ایام حج بود. امام صادق علیه السلام با گروهی از یارانش گفت و گو می کرد. در این هنگام هشام بن حکم که تازه به دوران جوانی گام نهاده بود، خدمت امام رسید. پیشوای شیعیان از دیدن این جوان شادمان شد، او را در صدر مجلس و کنار خویش نشاند و گرمی داشت. این رفتار امام، حاضران را که از شخصیت های علمی شمرده می شدند، شگفت زده ساخت. وقتی امام علیه السلام آثار شگفتی را در چهره حاضران مشاهده کرد فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این جوان با دل و زبان و دستش (با تمام وجود) یاور ماست.» سپس برای اثبات مقام علمی هشام برای حاضرین، درباره نام های خداوند متعال و فروع آن ها از وی پرسید و هشام همه را به نیکی پاسخ گفت. آن گاه حضرت فرمود: «هشام! آیا چنان فهم داری که با منطق و استدلال دشمنان ما را دفع کنی، هشام گفت: آری. امام فرمود: «نفعک الله به و ثبتک؛ خداوند تو را از آن بهره مند سازد و [در این راه] ثابت قدم بدارد.» هشام می گوید: بعد از این دعا هرگز در بحث های خداشناسی و توحید شکست نخوردم. (مجلسی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص



۲- مفضل بن عمرو نماینده امام صادق علیه السلام در شهر کوفه بود. او از طرف امام موظف بود به مشکلات دینی، مالی و اجتماعی مردم کوفه رسیدگی کند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحکمی برقرار کرده بود، برای همین عده ای این دوستی را نتوانستند تحمل کنند، ناچار به شایعه و افتراء روی آوردند و مفضل و یارانش را به شرابخواری، ترک نماز، کبوتر بازی و حتی به سرقت و راهزنی متهم کردند. این گروه، که ابوالخطاب معزول و طرفدارانش از فعالان آن شمرده می شدند، شایع کردند که مفضل افراد بی مبالات و لابلالی را پیرامونش گرد آورده است. وقتی این شایعات به اوج رسید، گروهی از مومنان و مقدسان کوفه به محضر امام صادق علیه السلام چنین نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شرابخوار و کبوتر باز همنشین است، شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد.»

امام صادق علیه السلام بدون این که با آنان در این باره سخن بگوید، نامه ای برای مفضل نوشته، مهر کرد و به آنان سپرد تا به مفضل برسانند. حضرت تصریح کرد که نامه را خودشان شخصا به مفضل تحویل دهند. آنان به کوفه برگشتند و دسته جمعی به خانه مفضل شتافتند و نامه امام صادق علیه السلام را به دست مفضل دادند. وی نامه را گشود و متن آن را قرائت کرد. امام علیه السلام به مفضل دستور داده بود که: چیزهایی بخرد و به محضر امام علیه السلام ارسال کند. در این نامه اصلا اشاره ای به شایعات نشده بود. مفضل نامه را خواند و آن را به دست همه حاضران داد تا بخوانند. سپس از آنان پرسید: اکنون چه باید کرد؟ گفتند: این اشیاء خیلی هزینه دارد. باید بنشینیم، تبادل نظر کنیم و از شیعیان یاری جویم. در واقع هدفشان این بود که فعلا خانه مفضل را ترک کنند. مفضل گفت: تقاضا می کنم برای صرف غذا در اینجا بمانید. آنان به انتظار غذا نشستند. مفضل افرادی را به سراغ همان جوانانی که از آن ها بدگویی شده و به کارهای ناروا متهم شده بودند فرستاد و آنان را احضار کرد. وقتی نزد مفضل آمدند، نامه حضرت صادق علیه السلام را برای آنان خواند. آنان، با شنیدن کلام امام صادق علیه السلام برای انجام فرمان حضرت از خانه خارج شدند و پس از مدت کوتاهی بازگشتند. هر کدام به اندازه وسع خویش روی هم نهاده و در مجموع دو هزار دینار و ده هزار درهم در برابر مفضل نهادند. آن گاه مفضل به شکایت کنندگان که هنوز از صرف غذا فارغ نشده بودند نگریست و گفت: شما می گوئید این جوانان را از خودم برانم و گمان می کنید خدا به نماز و روزه شما نیازمند است؟! (معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۲۵؛ مجلسی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۲۹۵)





در اینجا به بخشی از شیوه ها و راه کارهای عملی برخورد و هدایت جوانان در پرتو گفتار صادق آل محمد علیهم السلام پرداخته می شود:

### ۱-۳- رفتار نیکو و ملایم

نوجوان قلبی پاک و روحی حساس و دلی نازک و عاطفی دارد. در برخورد با او باید راه نرمی و ملایمت پیش گرفت. نگاه مهربان، ارزش دادن به شخصیت و رفتار خوش، بهترین شیوه ارتباط با اوست. محبت، اظهار علاقه، صدا کردن با القاب، عناوین و نام های زیبا او را به سوی مبلغ و مربی جذب می کند و در این حال می توان ارتباط قلبی و عاطفی با او ایجاد کرد، سخنانش را شنید، راهنمایی کرد، لغزش ها را متذکر شد و بالاخره در عالم دوستی که یک ارتباط شدید روحی و عاطفی برقرار است، می توان صفات زیبا را به او القاء نمود، نیازهای بسیاری را از او برطرف کرد و از آلودگی ها او را بر حذر داشت، زیرا گرایش جوان به خوبی ها و زیبایی ها از دیگران بهتر و سریع تر انجام می پذیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «من لم تکن فیه ثلاث خصال لم ینفعه الایمان: حلم یرد به جهل الجاهل. و ورع یحجزه عن طلب المحارم. و خلق یداری به الناس؛

هر کس سه خصلت را دارا نباشد از ایمان خود سودی نخواهد برد: اول - بردباری، که جهل نادان را برطرف کند. دوم - پارسائی، که او را از حرام باز دارد. سوم - رفتار نیکو که با مردم مدارا نماید.» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

### ۲-۳- آگاهی دادن در مسائل دینی

یکی از علل دین گریزی برخی جوانان و نوجوانان عدم آگاهی به مسائل دینی است. زیرا انسان طبیعتاً هر چه را نشناسد به سویش نمی رود و افکار و احساسات و حواس خود را به سوی آن معطوف نمی دارد. اما شناخت و آگاهی از خوبی ها و زیبایی ها به ویژه اطلاع از منافع آن، سریعاً انسان نفع طلب را به آن جذب کرده و آن را در نزد شخص، دوست داشتنی می کند. برای همین اگر جوانان با آثار و برکات و احکام و معارف دین آشنا شوند، فاصله آنان با حقایق دینی کم خواهد شد. افزون بر این، نسل جدیدی که معمولاً از



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



مسائل و حقایق دینی بی اطلاع یا کم اطلاع است و بصیرت و معرفت کافی از دین ندارد، تحت تاثیر تبلیغات و هجمه های فرهنگی دشمنان قرار می گیرد.

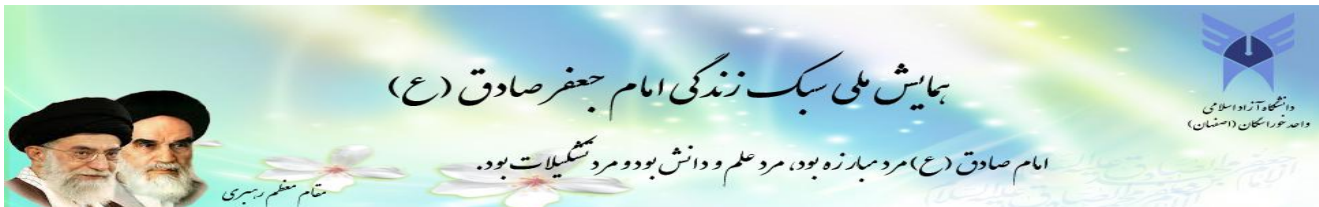
امام صادق علیه السلام به بشیر دهان (روغن فروش) فرمود: «لا خیر فی من لا یتفقہ من اصحابنا یا بشیر ان الرجل منهم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لا یعلم؛ از دوستان ما کسی که در دین خود اندیشه و تفقه نکند ارزش ندارد. ای بشیر! اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسائل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود، هر گاه به آن ها نیاز پیدا کرد آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱-ص ۳۲)

ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آنقدر مهم است که می فرماید: «لو اتیت بشاب من شباب الشیعۃ لایتفقہ لادبته؛ اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم که در دین تفقه نمی کند او را تادیب خواهم کرد.» (برقی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۶)

### ۳-۳- شناساندن آسیب های اجتماعی

آشنا نبودن نسل جدید با آفت های اجتماعی موجب افت ارزش های اخلاقی و توفیق دشمنان فرهنگی و رواج خلاف و حرام در میان آنان می باشد. اگر جوانان مسلمان با این آفت ها آشنا باشند و از عواقب بد آن در میان افراد جامعه اطلاع یابند، بنابر فطرت پاکی که خداوند در نهاد آن ها قرار داده از آن آفت ها فاصله خواهند گرفت و دامن خویش را به چنین آفت های اجتماعی آلوده نخواهند کرد. صادق آل محمد علیه السلام مواردی از آفت های اجتماعی را چنین فهرست کرده است: الف) ستم کردن؛ ب) فریبکاری؛ ج) خیانت؛ د) تحقیر و خوار کردن دیگران؛ ه) اف گفتن: (نق بزند، غرغر کند و به این وسیله زحمات دیگران را نادیده گرفته و خود را چیزی پندارد)؛ و) دشمنی، کینه توزی و اظهار عداوت با برادران دینی؛ ز) تهمت زدن؛ ح) داد و فریاد و پرخاشگری؛ ط) طمع کاری و حرص به دنیا.

### ۳-۴- ترغیب به دانش افزایی

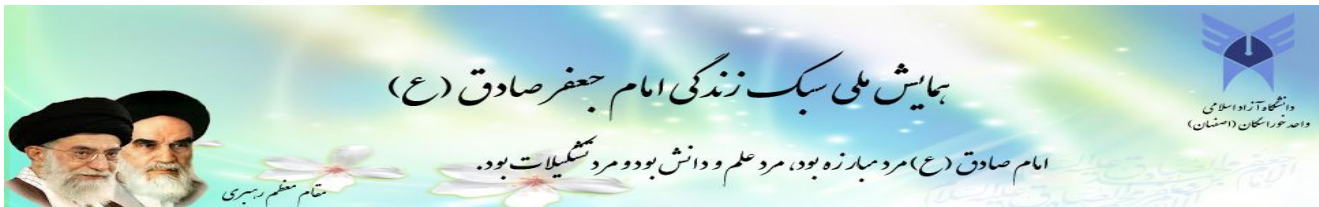


یک جوان مسلمان باید از علوم روز آگاهی کافی داشته باشد. تخصص در کنار تعهد یک اصل مسلم و تردید ناپذیر در فرهنگ ما است. کسانی در عرصه زندگی به اهداف دلخواه خود می رسند که با شناخت دانش ها و مهارت های عصر خود به قله های سعادت نائل شده و با تعهد و ایمان خویش، اعتماد افراد جامعه را به خود جلب می کنند. از منظر حضرت صادق علیه السلام کسب دانش و مهارت های فنی برای یک جوان ضروری است، آن حضرت می فرماید: «لست احب ان اری الشاب منکم الا غادیا فی حالین، اما عالما او متعلما؛ هیچوقت دوست ندارم یکی از جوانان شما (شیعه) را بینم مگر اینکه در یکی از دو حال، شب و روز خود را سپری کند: یا دانا باشد یا یاد گیرنده» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۰۳).

### ۳-۵- عادت دادن به حسابرسی

یک تاجر زمانی در کار خود پیشرفت می کند که در هر شبانه روز به حساب خود رسیدگی کرده و سود و زیان معاملات خویش را بداند و گرنه بعد از مدت کوتاهی سرمایه و هستی خود را از دست خواهد داد. جوانی، یک سرمایه و فرصت بسیار عالی برای هر شخص می باشد. اگر یک جوان به حساب عمر خود رسیدگی نکند و نداند که آیا در مقابل عمر خویش چه چیزی به دست آورده است، در آینده ای نه چندان دور سرمایه معنوی خویش را به باد فنا خواهد داد. اما اگر به حساب روزانه اش برسد و ببیند که در مقابل هر روز از دست رفته، یک قدم به سوی کمال برداشته، خوشحال شده و آن را تکرار کند و در مقابل انحطاط فکری و اخلاقی غمگین گشته و سعی در جبران آن داشته باشد، بدیهی است که رو به سوی رشد و ترقی خواهد نهاد. امام صادق علیه السلام به ابن جندب که یک جوان فعال و پرشور و باایمان بود می فرماید: «یا بن جندب! حق علی کل مسلم يعرفنا ان يعرض عمله فی کل یوم و لیلۃ علی نفسہ فیکون محاسب نفسہ فان رای حسنۃ استزاد منها و ان رای سیئۃ استغفر منها و لئلا یخزی یوم القیامۃ؛ ای پسر جندب! هر مسلمانی که ما را می شناسد شایسته است که رفتار و کردار خود را در هر شبانه روز بر خود عرضه دارد و حسابگر نفس خویش باشد تا اگر کار نیکی در آن ها دید، بر آن بیفزاید و اگر کار بدی در اعمال خود مشاهده نمود، از آن ها توبه کند، تا در روز قیامت دچار ذلت و حقارت نشود.» (حرانی، ۱۳۶۳/۱۴۰۴، ص ۳۰۱)

### ۳-۶- تعدیل حس دوست خواهی



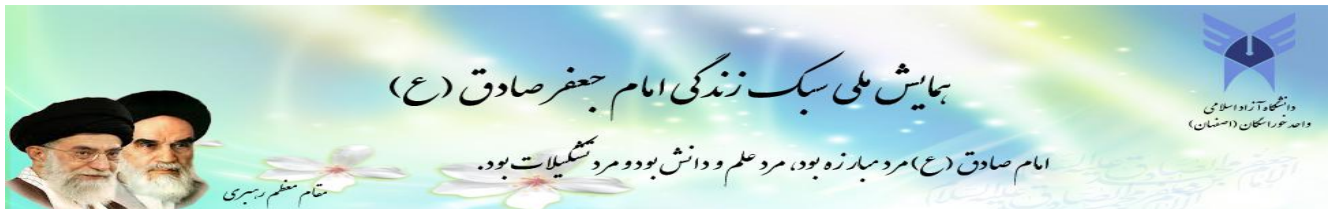
انسان با انس به دوستانش احساس مسرت و لذت می کند. او در همنشینی با رفیق شفیق، نشاط و نیرو می گیرد و این یک نیاز طبیعی اوست و باید ارضاء شود. یک جوان در اثر این حس به سمت دوستان و همفکران خود کشیده می شود، او عاشق رفاقت است و دنبال ارتباط با هم سن و سالان خود می باشد. از طرف دیگر بر اثر غلبه احساسات و شور و شوق جوانی و نپختگی نگرش عقلانی، ممکن است در دام دوستان ناباب و یا صیادان و شیادان بیفتد. از این رو در انتخاب یک دوست ممکن است دچار مشکلات گردد. امام جعفر صادق علیه السلام دقیقا روی همین نکته انگشت اشارت نهاده و به جوانان چنین رهنمود می دهد: «الاحوان ثلاثة: فواحد كالغذاء الذي يحتاج اليه كل وقت فهو العاقل. و الثاني في معنى الداء و هو الحق. و الثالث في معنى الدواء فهو اللبيب؛ دوستان سه دسته هستند. اول: کسی که مانند غذا در هر زمان به او نیاز هست و او دوست عاقل است. دوم: کسی که [برای انسان] مانند بیماری و درد [رنج آور] است، و او دوست احمق [و نادان] است و سوم: کسی که وجودش برای فرد همانند داروی حیات بخش است، و آن رفیق روشن بین [و اهل تفکر] است.» (مجلسی، ۱۳۶۹، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

### ۳-۷- ضرورت ازدواج

هر جوانی فطرتا نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. اما بعضی جوانان با بهانه قرار دادن بعضی مشکلات و سختی ها از این سنت الهی روی بر تافته و خود را در دام نفس شیطانی گرفتار می کنند. به آنان باید توجه داده شود که این پیمان مقدس در میان تمام ملت ها وجود داشته و محبوبترین بنیان نزد خداوند متعال است. با ازدواج، شخصیت و ایمان دو جوان کامل می شود. صادق آل محمد علیه السلام فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الآخر؛ کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است پس باید در نصف دیگرش تقوای الهی پیشه کند.» (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹)

و در حدیث دیگری آن حضرت به جوانان چنین پیام داد: «رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما اعزب؛ دو رکعت نماز که فرد ازدواج کرده می خواند بر ۷۰ رکعت نماز یک فرد مجرد برتری دارد.» (نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۷۴)

### ۳-۸- تشویق به نماز



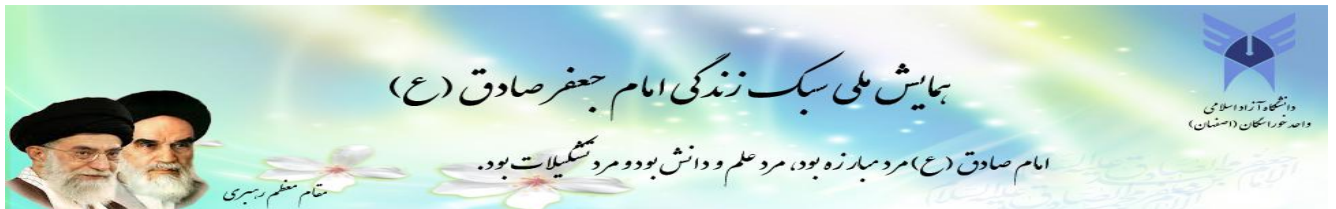
بر اساس متون دینی ما نماز عامل کمال انسان و حافظ او از آلودگی ها و صفات مذموم و ناپسند است. همچنین این رفتار معنوی تاثیر بسزایی در بیدار کردن روح نظم و حفظ نظام انسان دارد. نماز تسلی بخش و آرامش بخش دل های مضطرب در انسان های خسته و نگران است. نماز شاخص رهروان راه خدا و بهترین وسیله ارتباط صمیمانه رب العالمین است. تجربه و آمار گواهی می دهد که درصد بالایی از خلفاکاران و هنجارشکنان در جامعه اسلامی در خانواده هایی بزرگ شده اند که یا نماز نمی خوانند و یا آن را سبک می شمارند. پیشوای ششم جایگاه مهم نماز را در زندگی و رفتار روزانه یک مسلمان برای اقشار مختلف به ویژه جوانان تبیین نموده و فرمود: «اول ما يحاسب به العبد على الصلوة فاذا قبلت قبل منه سائر عمله و اذا ردت عليه رد عليه سائر عمله» [روز قیامت] اولین چیزی که از بنده محاسبه می شود نماز است. اگر از او نماز پذیرفته شد، سائر اعمالش پذیرفته می شود اما اگر نماز او رد شد سایر اعمال [نیک] او نیز (رد خواهد شد.) ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۸

آن حضرت در مورد زیان هایی که در اثر دوری از نماز برای انسان رخ می دهد به ابن جنبد فرمود: «ویل للساھین عن الصلوات، النائمین فی الخلوات، المستهزئین بالله و آیاته فی الفترات اولئک الذین لاخلق لهم فی الآخرة و لا یکلمهم الله یوم القیامة و لا یرکبهم و لهم عذاب الیم» وای بر آن ها که از نماز غفلت کنند و در خلوت بخوابند و خدا و آیاتش را در دوران ضعف دین استهزاء کنند، آنان کسانی هستند که در آخرت بهره ندارند و خدا در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و آنان را تبرئه نخواهد کرد و عذاب دردناک برای آن هاست.» (حرانی، ۱۴۰۴/۱۳۶۳، ص ۳۰۲)

### ۹-۳- تقویت اندیشه های مثبت

با تقویت تفکر مثبت در جوانان می توان صفات نیک و خصلت های زیبا را در وجود آن ها ایجاد کرد. آن گاه با فضا سازی مناسب و به وجود آوردن بسترهای لازم، آن ها را به تکرار رفتارهای مثبت متمایل کرده و آن رفتارها را به صورت عادات پایدار در وجود آنان در آورد. بخشی از اندیشه های مثبت در کلام امام جعفر صادق علیه السلام عبارتند از:

### ۱-۹-۳ زیارت دوستان و تقویت حس همیاری



آن حضرت نیکی به دوستان و دیدار آنان را برترین عبادت برشمرده و فرمود: «ما یعبد الله بمثل نقل الاقدام الی بر الاخوان و زیارتهم؛ خداوند به چیزی همانندگام برداشتن در راه نیکی به برادران دینی و دیدار و زیارت آن ها عبادت نشده است.» (همان، ص ۳۰۱)

۳-۹-۲ انس با خدا

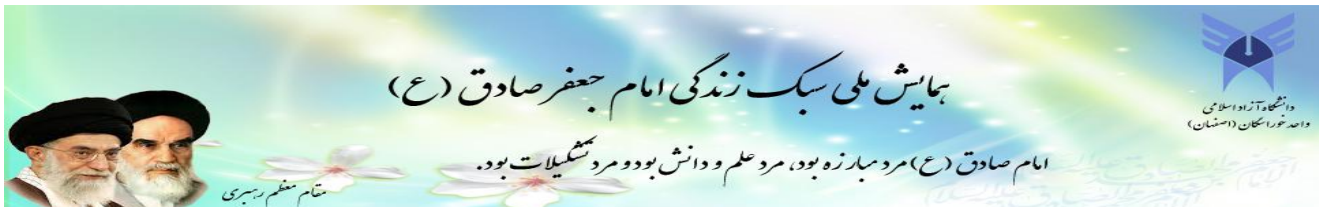
چه زیباست که جوانان پاک همیشه خدا را بهترین انیس خود بدانند و در سختی ها او را همدم و پناهگاه خویش بر گزینند. آن حضرت فرمود: «آنسو بالله واستوحشوا مما به استانس المترفون؛ [انسان های با ایمان] با خدا انس گرفته اند و از آنچه که مال اندوزان و دنیا پرستان به آن انس گرفته اند، در هراسند.» (همان، ۳۰۱) آری آنان از نعمت های خداوندی بهره می برند، اما به آن ها دل نمی دهند. آنان دلبسته خدا بوده و با یاد او آرام می شوند.

۳-۹-۳ پایداری در راه هدف

پایداری در راه ایمان و عقیده از عوامل توفیق و پیروزی است. یک جوان آن گاه به آرزوهای مشروع و دلخواه دست می یابد که پشتکار و استقامت داشته باشد. مهمترین آرزوی هر جوان نیل به سعادت حقیقی و قرب پروردگار - که جلوه تمام کمالات، زیبایی ها و خوبی هاست - می باشد. پیشوای شیعیان فرمود: «لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائکة و لا ظلمهم الغمام و لا شرفوا نهارا و لا کلووا من فوقهم و من تحت ارجلهم و لما سالوا الله شیئا الا اعطاهم؛ اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند، فرشتگان با آنان دست می دهند. ابرهای رحمت بر آن ها سایه می افکند. مانند روز می درخشند، از زمین و آسمان روزی می خورند و آنچه از خدا بخواهند، به آن ها عطا می کند.» (همان، ص ۳۰۲)

۳-۹-۴ دستگیری از افتادگان

معلى بن خنیس می گوید: «امام صادق علیه السلام در شبی بارانی از خانه به سوی ظلّه بنی ساعده رفت. به دنبال او رفتم، گویی چیزی از دست او بر زمین افتاد. حضرت گفت:



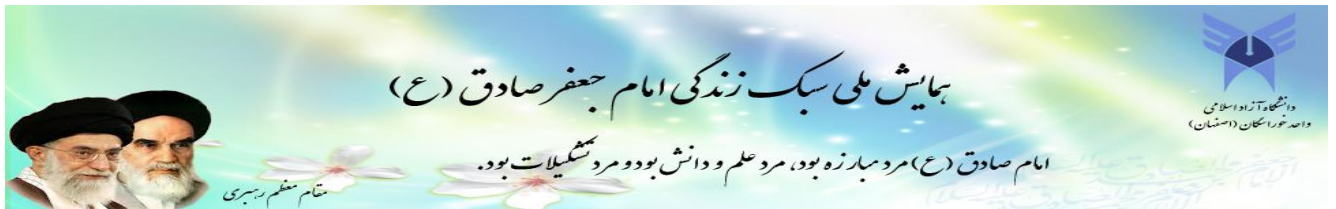
به نام خدا، خداوندا آن را به ما بازگردان. به نزدیک رفته سلام کردم. فرمود: معلی تو هستی؟ عرض کردم! آری فدایت شوم! فرمود: با دست خود زمین را جست و جو کن، هر چه یافتی آن را به من بازگردان. معلی می گوید: نان های زیادی روی زمین افتاده بود. یکی یکی، دوتا دوتا پیدا می کردم و به آن حضرت می دادم. کیسه ای پر از نان همراه آن حضرت بود و از سنگینی آن را به زحمت حمل می کرد. عرض کردم: اجازه دهید آن را من بیاورم؟ فرمود: من از تو شایسته ترم، ولی با من بیا. به ظله بنی ساعده رسیدیم. گروهی را دیدم که در خواب بودند. آن حضرت یک یا دو قرص نان را در زیر سر آنان می گذاشت. توزیع نان به آخرین نفر که تمام شد، بازگشتیم. عرض کردم: فدایت شوم! آیا این ها شیعه هستند. فرمود: اگر شیعه بودند حتی در نمک طعام نیز با آنان مواسات و از خود گذشتگی می کردم.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۷. با استفاده از عبارات شهید مطهری) ۳

۳-۹-۵ توجه به غذا

یک جوان مسلمان همچنان که به سلامت روح خود می اندیشد، در پرورش جسم نیز کوشا است او فردی ضعیف البنیه، کسل و منزوی نیست بلکه به بهداشت غذای خویش در کنار بهداشت روانش توجه دارد. از راه تغذیه صحیح و ورزش جسم خود را تقویت می کند و از راه های مختلف نشاط خویش را به دست می آورد، اما در عین حال به حلال و حرام بودن غذایی که می خورد توجه کامل دارد و آثار مخرب غذای حرام و غیر مشروع را در وجودش در نظر دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «شیعتنا لا یاکلون الجری... و لایشربون مسکرا». شیعیان ما مارماهی نمی خورند... و شراب و مسکرات نمی نوشند.» (حرانی، ۱۳۶۳/۱۴۰۴، ص ۳۰۳)

۳-۹-۶ نیک رفتاری با اهل معصیت

در اصلاح رفتار غلط و ناپسند دیگران و کسانی که به نوعی مرتکب گناه می شوند، باید شیوه ای کارآمد در پیش گرفت و ترس و یاس آنان را در پیوستن به ردیف خوبان از میان برداشت و با نیک رفتاری و امید دادن، روحیه شکست خورده آنان را تقویت نموده و بازسازی کرد.



امام صادق علیه السلام فرمود: «لا تقل فی المذنبین من اهل دعوتکم الا خیرا، واستکینوا الی الله فی توفیقهم؛ در مورد همکیشان گنه کار خود جز خوبی و نیکی چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت آنان را بخواهید.» (همان، ص ۳۰۱)

۳-۹-۷ در اندیشه شغل حلال:

عبدالاعلی بن اعین در یک روز تابستانی بسیار گرم در یکی از کوچه های مدینه امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده و به آن بزرگوار عرضه داشت: «فدایت شوم! با این مقام و منزلت و رتبه ای که نزد خداوند دارید و خویشاوندی که با پیامبر برای شماست، باز هم برای دنیای خویش تلاش می کنید و در چنین روز گرمی خود را در فشار و سختی قرار می دهید؟! امام در پاسخ فرمود: ای عبدالاعلی! جهت یافتن روزی و درآمد حلال بیرون آمده ام تا از افرادی همانند تو بی نیاز شوم.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۴)

۳-۹-۸ برنامه ریزی صحیح در زندگی:

امام صادق علیه السلام می فرمود: «فان الله يعلم انی واجد ان اطعمهم الحنطة علی وجهها و لکنی احب ان یرانی الله قد احسنت تقدیر المعیشة؛ خدا می داند که می توانم به بهترین صورت نان گندم خانواده ام را تهیه کنم، اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه ریزی صحیح زندگی ببیند.» (همان، ص ۱۶۶)

## ۴- هدایت و تربیت نسل جوان

جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت های رفتاری، هیجان های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم کنترل رفتار، حب ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار به شخصیت و تشخص طلبی و میل به آزادی، شمه ای از ویژگی های اوست.

با توجه به این ویژگی ها، شیوه رفتاری امام صادق علیه السلام با جوانان، و همچنین سخنان و دستور العمل های آن حضرت برای جوانان و برخورد با آنان، بهترین نسخه شفا بخش و راهگشاست.





نگاه های مهربان، بزرگداشت شخصیت، توجه به استعداد و صلاحیت آنان، احترام به نیازهای فردی و اجتماعی، رفتار محبت آمیز و حکیمانه و سرشار از عاطفه و خلوص، موجب جذب جوانان به سوی آن حضرت بود و شیفتگی آنان به رهبر خویش، ریشه در شیوه رفتار و گفتار آن حضرت نسبت به مخاطبین و شاگردان خویش دارد.

آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابو جعفر مؤمن طاق می فرماید:

«علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر؛ بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۹۳)

## ۵- اهمیت علم آموزی نسل جوان از دیدگاه امام صادق (ع)

اسلام عزیز، علم و دانش را نور می داند. نوری که خدا آن را در قلب های مستعد می پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می سازد. آدمی چگونه می تواند از این منبع درخشان، روی گردان و بی بهره بماند، در حالی که در آموزه های روایی، پی گیری آن حتی در دوردست ترین سرزمین ها که چین کنایه ای از آن بوده سفارش شده است.

اما اهمیت موضوع برای جوانان به دین سبب است که از فرصتی که پیش روی دارند با حرکت به سمت علم آموزی و گسترش علم در جهت رفاه مادی و معنوی انسان ها ضمن توسعه و تبلیغ دین اسلام باقیات الصالحاتی را برای خود بدست آورند.



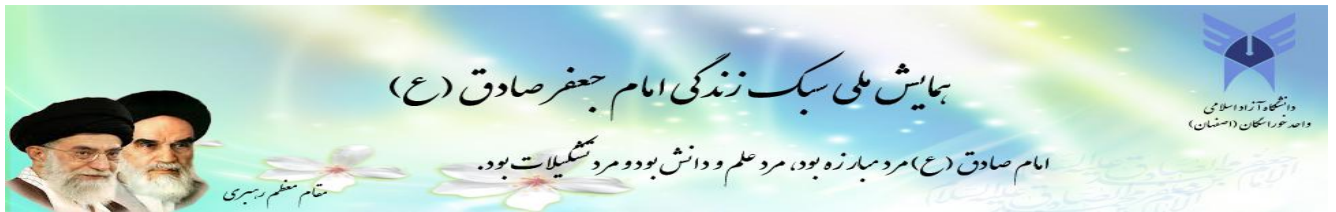
## ۱-۵- ترغیب به دانش افزایی - دانش و بینش از نگاه امام صادق (علیه السلام)

شخصی شنیده بود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: یک ساعت تفکر کردن برتر از یک شب عبادت تا صبح است، ولی پیوسته به این موضوع می‌اندیشید که منظور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چگونه تفکری است. آیا هر تفکری برابر است با یک شب عبادت تا صبح؟ برای دریافت پاسخ خود نزد امام صادق (علیه السلام) رفت و پرسش خود را مطرح کرد، ولی آن حضرت به گونه‌ای کنایه‌آمیز به پرسش او پاسخ داد. امام فرمود: «انسان هرگاه از کنار خانه‌ای خراب شده و خالی از سکنه عبور می‌کند، بگوید کجایند آنان که تو را ساختند و آنان که در تو سکونت داشتند؟ چرا سخنی نمی‌گویی؟»

با این پاسخ کوتاه، به او فهماند که تفکری ارزشمند است که با آن آدمی پاسخ این پرسش‌ها را بیابد که به کجا می‌رود و هدف او از زندگانی دنیا چیست.

### ۱-۱-۵- کم ارزشی عبادت بدون علم و اندیشه

در آموزه‌های اسلامی عبادت بدون بصیرت بی‌ارزش است و بصیرت جز با تفقه و تعمق در مسائل و یادگیری و آموختن به دست نمی‌آید. در همسایگی اسحاق بن عمار خانه مردی قرار داشت که به عبادت زیاد و انفاق بسیار در میان مردم مشهور بود و همگان از او به نیکی یاد می‌کردند؛ زیرا کسی از او خلافتی ندیده بود. رفتار نیک او برای اسحاق بن عمار این پرسش را ایجاد کرد که او با این رفتار، انسان صالحی است یا خیر. او می‌خواست وظیفه خود را نسبت به همسایه خود بداند. بدین منظور، نزد امام صادق (علیه السلام) رفت و از امام پرسید: «همسایه‌ای دارم که بسیار نماز می‌خواند، انفاق می‌کند و بسیار به حج می‌رود و از او خلافتی هم نسبت به خاندان اهل بیت عصمت (علیهم السلام) دیده نشده است. او چگونه انسانی است؟ امام صادق (علیه السلام) پرسید: آیا اهل دانش و اندیشه در مسائل دینی و عبادی نیز هست؟ اسحاق پاسخ داد: خیر، با این که بسیار عبادت می‌کند، ولی اهل اندیشه نیست، امام فرمود: پس با این حساب، کردار نیک او سبب بالا رفتن او نمی‌شود.»

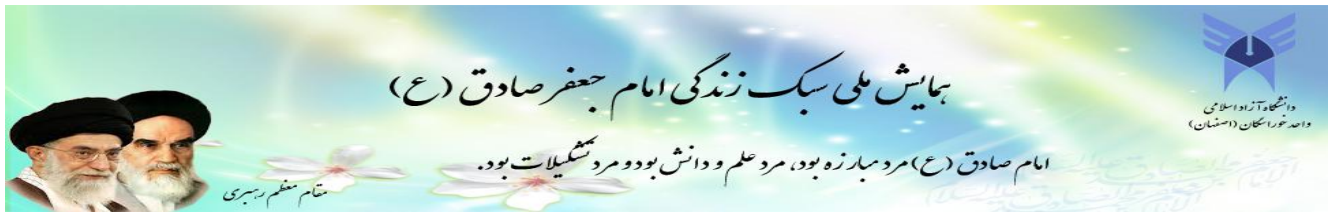


## ۲-۱-۵ ضرورت مراجعه به دانایان

می‌گویند همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند. یک فرد هر چه هم دانشمند باشد نمی‌تواند بر تمام مسائل تسلط علمی داشته باشد؛ مگر این که به سرچشمه علم الهی متصل باشد و از پیمانۀ وحی سیراب شده باشد. بنابراین هر کس باید در حیطه دانش و تخصص خود اظهار نظر کند. این مسئله در زمان امام صادق (علیه‌السلام) نیز دیده می‌شد.

نوشته‌اند: روزی حمزه بن طیار که خود دانشمندی بود در محضر امام صادق (علیه‌السلام) ایستاد و شروع به سخنرانی کرد. او لابه‌لای سخنان خود، به گوشه‌هایی از سخنان پدر امام، حضرت باقر (علیه‌السلام) اشاره می‌کرد و برای تأیید حرف خود از آن کمک می‌گرفت. امام صادق (علیه‌السلام) نیز سکوت اختیار کرده بود و فقط به سخنان حمزه بن طیار گوش فرا می‌داد.

اندکی گذشت و حمزه همچنان مشغول به سخن گفتن بود تا این که در فرازی از سخنرانی خود، امام صادق (علیه‌السلام) به او اشاره کرد که سخنش را قطع کند و به او فرمود: «همین جا توقف کن و دیگر چیزی مگو!» حمزه از این سخن امام تعجب کرد، ولی پیش از آن که بخواهد دلیل آن را بپرسد، امام به او فرمود: «به اموری رسیدید که حکمتش را نمی‌دانید و برایتان پوشیده است. این جا وظیفه شماست که درنگ اختیار کنید و آن را از پیشوایان راه و دانایان طریقت بپرسید. آنان به وظیفه خود عمل و شما را به راه راست هدایت می‌کنند، همان گونه که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ اگر مسئله‌ای را نمی‌دانید، از دانایان بپرسید» (نحل، ۴۳ و انبیاء، ۷)

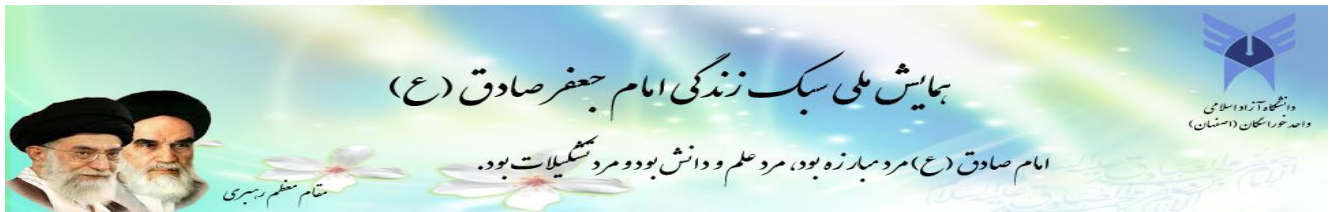


### ۳-۱-۵- ضرورت وجود کارشناس دین

ابوشاکر از فرقه دیصانیه بود و خدا را قبول نداشت. او روزی قرآن را گشود و با دیدن آیه‌ای، فکر کرد که می‌تواند با تأویلی دیگر گونه، از آن برای عقاید باطل خود سود جوید. آیه را به خاطر سپرد و سراغ شاگرد چیره‌دست امام صادق (علیه‌السلام) هشام بن حکم رفت. وقتی او را دید، با پوزخندی شیطنت‌آمیز گفت: در قرآن شما آیه‌ای وجود دارد که مرا درباره وحدانیت خدا به شک انداخته است. هشام که می‌دانست توطئه‌ای در کار است و هیچ آیه‌ای از قرآن چنین دلالتی ندارد، گفت: کدام آیه را می‌گویی؟ ابو شاکر گفت: آن‌جا که نوشته است: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ» بنابراین، در آسمان یک خدا وجود دارد و در زمین هم خدای دیگری هست.»

هشام مدتی اندیشید و به او گفت که به پرسش او پاسخ خواهد داد. به فکر فرو رفت. مطمئن بود که هرگز چنین نیست و ابو شاکر تأویلی واژگونه از آیه به کار برده است. نمی‌دانست که مراد آیه چیست و چگونه بایستی به او پاسخ گوید: او چند روزی به این موضوع فکر کرد، ولی نتوانست پاسخی مناسب بیابد. از این رو، برای انجام حج و شرف‌یابی به محضر استاد بی‌همتای خویش امام صادق (علیه‌السلام) بار سفر بست و به مکه آمد و از آن‌جا ره‌سپار دیدار با امام صادق (علیه‌السلام) شد. وقتی خدمت امام رسید، ماجرا را بیان کرد.

امام پس از پذیرایی از هشام، به او فرمود: این سخن تنها از یک انسان پست و بی‌دین بر می‌آید. هنگامی که به کوفه بازگشتی، از او بپرس تو را در کوفه به چه نام می‌خوانند. پاسخ خواهد داد فلان نام. دوباره از او بپرس تو را در بصره به چه نام می‌خوانند، پاسخ خواهد داد فلان نام. سپس به او بگو پروردگار ما نیز چنین است، نام او در آسمان «اله» است و در زمین «اله» است. همچنین در هر مکان او اله است. هشام خرسند از این که پاسخ مناسبی به دست آورده است، پس از اندکی درنگ در مدینه، راه شهر خود را در پیش گرفت. هنگامی که به کوفه رسید، نزد ابوشاکر رفت و پاسخ را با او در میان گذاشت و او را قانع کرد. ابوشاکر به او گفت: «من مطمئن هستم که این پاسخ از خودت نبود و آن را از حجاز برای من آورده‌ای.»



## ۴-۱-۵- جویندگی و یابندگی حقیقت

هر کسی در راه یافتن حق و حقیقت تلاش کند عاقبت گم گشته خویش را می یابد. بریهه دانشمندی مسیحی بود که مسیحیان به سبب وجود او، بر خود می بالیدند، ولی به تازگی، زمزمه هایی از مردم شنیده می شد. چندی بود که او نسبت به عقاید خود دچار تردید شده بود و در جست و جوی رسیدن به حقیقت، از هیچ تلاشی خسته نمی شد. گاه با مسلمانان درباره پرسش هایی که در ذهنش ایجاد می شد، بحث می کرد، ولی هنوز فکر می کرد به هدف خود دست نیافته است و آنچه را می خواهد، بایستی جای دیگری جست و جو کند.

روزی از روی اتفاق، شیعیان او را به یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) به نام هشام بن حکم که در مباحث اعتقادی، چیره دست بود، معرفی کردند. هشام در کوفه دکانی داشت. بریهه با چند تن از دوستان مسیحی خود به دکان او رفت. هشام در دکان خود به چند نفر قرآن یاد می داد. وارد دکان او شد و هدف خود را از حضور در آن جا بیان کرد. بریهه گفت: «من با بسیاری از دانشمندان مسلمان بحث و مناظره کرده ام، ولی به نتیجه ای نرسیده ام. اکنون آمده ام تا درباره مسائل اعتقادی با تو گفت و گو کنم.»

هشام با رویی گشاده گفت: اگر آمده اید و از من معجزه های مسیح (علیه السلام) را می خواهید، باید بگویم من قدرتی بر انجام آن ندارم. شوخ طبعی هشام آغاز خوبی برای شروع گفت و گو میان آنان شد. ابتدا بریهه پرسش های خود را درباره حقانیت اسلام مطرح کرد و هشام با حوصله و صبر، آنچه در توان داشت، برای او بیان کرد. سپس نوبت به هشام رسید. هشام چند پرسش درباره مسیحیت از بریهه پرسید، ولی بریهه درماند و نتوانست پاسخ کننده ای به آن ها بدهد.

فردا دوباره به دکان هشام رفت، ولی این بار تنها وارد شد و از هشام پرسید: آیا تو با این همه دانایی و برازندگی، استادی هم داری؟ هشام پاسخ داد: البته که دارم! بریهه پرسید: او کیست و کجا زندگی می کند؟ شغلش چیست؟ هشام دست او را گرفت و کنار خودش نشان داد و ویژگی های اخلاقی و منحصر به فرد امام



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

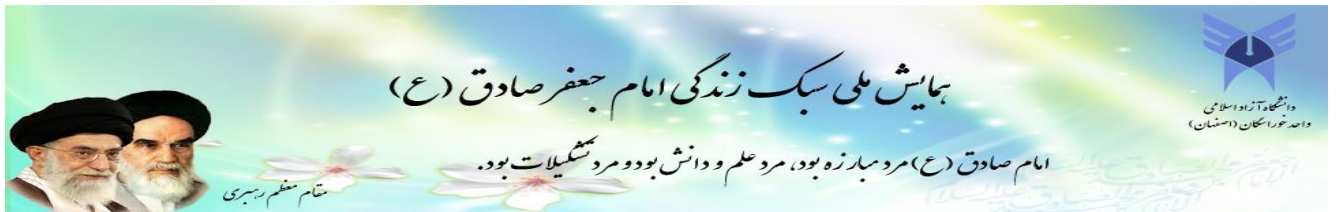
صادق (علیه السلام) را برای او گفت. او از نسب امام، بخشش، دانش، شجاعت و عصمت او بسیار سخن گفت. سپس به او نزدیک شد و گفت: ای بریهه! پروردگار هر حجتی را که بر مردم گذشته آشکار کرده است، بر مردمی نیز که پس از آن‌ها آمدند، آشکار می‌سازد و زمین خدا هیچ گاه از وجود حجت خالی نمی‌شود.

بریهه آن روز سراپا گوش شده بود و آنچه را می‌شنید، به خاطر می‌سپرد. او تا آن روز این همه سخن جذاب نشنیده بود. به خانه بازگشت، ولی این بار، با رویی گشاده و چهره‌ای که آثار شادی و خرسندی در آن پدیدار بود، همسرش را صدا زد و به او گفت که هر چه سریع‌تر آماده سفر به سوی مدینه شود. فردای آن روز به سوی مدینه حرکت کردند. هشام نیز در این سفر آنان را همراهی کرد. سفر با همه سختی‌هایش به شوق دیدن امام آسان می‌نمود.

سرانجام به مدینه رسیدند و بی‌درنگ به خانه امام صادق (علیه السلام) رفتند. پیش از دیدار با امام، فرزند ایشان، امام کاظم (علیه السلام) را دیدند. هشام داستان آشنایی خود با بریهه را برای امام کاظم (علیه السلام) تعریف کرد. امام به او فرمود: تا چه اندازه با کتاب دینت، انجیل آشنایی داری؟ پاسخ داد: از آن آگاهم. امام فرمود: چقدر اطمینان داری که معانی آن را درست فهمیده‌ای؟ گفت: بسیار مطمئنم که معنای آن را درست درک کرده‌ام. امام برخی کلمات انجیل را از حفظ برای بریهه خواند. شدت اشتیاق بریهه به صحبت با امام، زمان و مکان و خستگی سفر را از یادش برده بود. او آن قدر شیفته کلام امام شد که از باورهای باطل خود دست برداشت و به اسلام گروید. هنوز به دیدار امام صادق (علیه السلام) شرفیاب نشده بود که به وسیله فرزند او مسلمان شد. آن گاه گفت: من پنجاه سال است که در جست و جوی فردی آگاه و دانشمندی راستین و استادی فرهیخته مانند شما هستم.»

### ۶- شیوه انتخاب دوست در نگاه پیشوای ششم:

«رفاقت، حدودی دارد، کسی که تمام آن حدود را دارا نیست، کامل نیست، و آن کس که دارای هیچ یک از آن حدود نیست، اساساً دوست نیست»



۱- ظاهر و باطن رفیق، نسبت به تو یکسان باشد.

۲- زیبایی و آبروی تو را جمال خود بیند و نازیبایی تو را نازیبایی خود بداند.

۳- دست یافتن به مال یا رسیدن به مقام، روش دوستانه او رانست به تو تغییر ندهد.

۴- در زمینه رفاقت، از آنچه در اختیار دارد، نسبت به تو مضایقه ننماید.

۵- تو را در مواقع گرفتاری و مصیبت ترک نگوید.

«دوست آینه تمام نمای دوست» است و دو دوست مثل دو دست‌اند که آرایش یکدیگر را می‌شویند و به فرموده امام صادق (ع): «کسی که ببیند دوستش روش ناپسندی دارد و او را باز نگرداند، با آنکه توان آن را دارد، به او خیانت کرده است.»

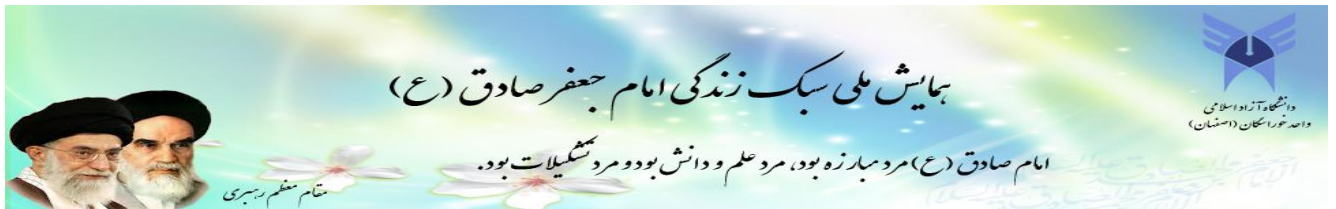
امام صادق (ع) ضمن تاکید فراوان به انتخاب دوست خوب و پایداری در این دوستی، جوانان را از رفاقت با نادان و احمق پرهیز می‌دهد.

«کسی که از رفاقت با احمق پرهیز نکند، تحت تاثیر کارهای احمقانه وی قرار می‌گیرد و اخلاقش همانند اخلاق ناپسند او می‌شود.»

در فرهنگ نورانی حدیثی ما، جوانان را از رفاقت با «بدنامان» برحذر داشته، آنان را به دوری از دوستان خائن و متجاوز و سخن چین ترغیب می‌سازند، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«از سه طائفه مردم کناره‌گیری کن و هرگز طرح دوستی و رفاقت با آن مریز خائن، ستمکار و سخن چین. زیرا کسی که برای تو به دیگری خیانت کند، روزی نیز به تو خیانت خواهد کرد و کسی که برای تو به دیگران ظلم و تجاوز کند، به تو نیز ظلم خواهد کرد و کسی که از دیگران نزد تو سخن چینی کند، علیه تو نیز نزد دیگران نامی خواهد نمود.»

۷- رسم رفاقت



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



راه و «رسم رفاقت» در ثبات و پایداری دوستی مؤثر است، گوشه‌ای از شیوه آن را در کلام امام صادق (ع) می‌نگریم:

«کمترین حق آن است که: دوست بداری برای او چیزی که برای خود دوست می‌داری. کراهت داشته باشی در حق او، از آن چه برای خود کراهت داری. از خشم او پرهیزی، به دنبال رضا و خشنودی او باشی. با جان و مال و زبان و دست و پایت او را کمک کنی. مراقب و راهنمای او و آینه‌ی او باشی. سوگندش را قبول کنی، دعوتش را اجابت نمایی، هرگاه بیمارشد، به عیادتش بروی و هرگاه فهمیدی حاجتی دارد، قبل از این که بگوید، آن را انجام دهی، و وی را ناگزیر نکنی که انجام کار را از تو درخواست کند...»

دوست خوب یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی آدمی است و انسان در انس با دوست احساس مسرت می‌کند و شادمانی و نشاط را در گرو همنشینی با رفیق می‌داند.

«رفیق شایسته، برای جوان جایگاه خاص خویش را دارد و اهمیت آن به گونه‌ای است که در شکل دهی شخصیت او نقش بزرگی ایفا کرده، اولین احساسات واقعی نوع دوستی را در وی ایجاد می‌کند.

جوان از یک سو به کشش طبیعی و خواهش دل، عاشق دوستی و رفاقت است و به ایجاد عمیق‌ترین روابط دوستانه با یک یا چند نفر از همسالان خود هست و از طرف دیگر بر اثر احساسات ناسنجیده و عدم نگرش عقلانی ممکن است در دام رفاقت با دوستان نادان و تبهکارافتد؛ از این رو خطر وجود دوستان بد و ناپاک، این نگرانی را در جوان ایجاد می‌کند که «چگونه یک دوست خوب و یکدل را انتخاب کنم؟»

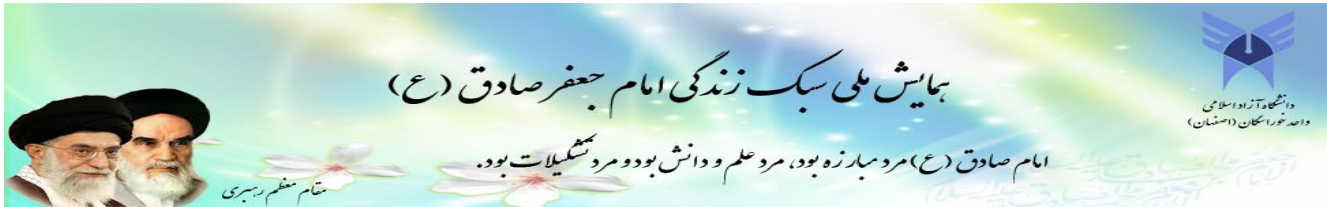
امام صادق (ع) رفقا را سه نوع می‌داند:

۱- کسی که مانند غذا به آن نیاز هست و آن «رفیق عاقل» است.

۲- کسی که وجود او برای انسان به منزله بیماری مزاحم و رنج‌آور است و آن «رفیق احمق» است.

۳- کسی که وجودش به منزله داروی شفا بخش است و آن «رفیق روشن بین و اهل خرد» است.





# همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

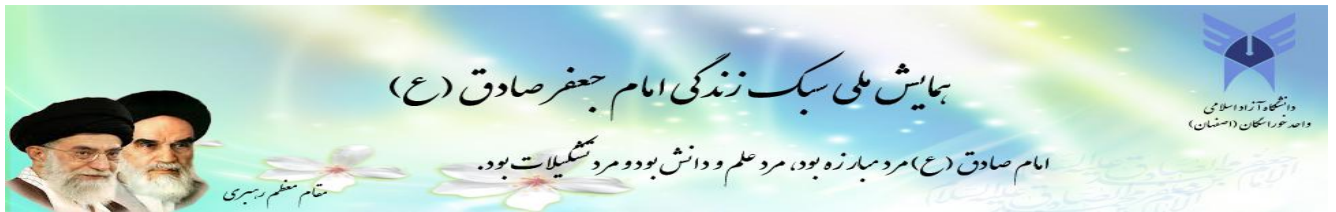


دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد خراسان (مشقان)



## نتیجه گیری

اگر پایه های اعتقادی جوان محکم باشد؛ در برابر آسیب ها و تهاجمات فرهنگی ایستادگی میکنند. برای محکم کردن این پایه های اعتقادی باید به راهکارهایی که قرآن و ائمه در پیش روی انسان ها قرار داده است توجه کرد. با بهره گیری از احادیث و داستان هایی که از ائمه مطرح شده در دل جوانان نفوذ کرد و آنان را به خود جذب نمود سخنان و گفته های نغز امام صادق (علیه السلام) روح جان را قوت بخشیده منشور دستورهای زندگی و سعادت مندی آن است. امید است جامعه جوان و پر نشاط، هندسه شخصیت و هویت خود را در پرتو معرف این امام (ع) ترسیم کرده، خود و جامعه را در سیره منش، در مسیر تحقق آرمان جامعه دینی و مدینه آرمانی اهل بیت علیهم السلام سمت و سو بخشند.



## فهرست منابع

### \*قرآن

- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ۳- اعیان الشیعه، سید حسن الامین، بیروت دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۸
- ۴- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۵- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ۶- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، موسسه ال بیت (علیه السلام)، ۱۴۱۳ق.
- ۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۸- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، افراسیابی نهاوندی، علی، وسائل الشیعه، قم، نهاوندی، ۱۳۸۰ش.
- ۹- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی طوسی، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴ق.
- ۱۰- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.
- ۱۱- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعضین، قم انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
- ۱۲- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ق.
- ۱۳- الکلینی الرضی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الدرایتی، محمد حسین، الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۱ق..
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.



۱۵- محمد بن الحسن، خراسان حسن الموسوی، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۱۶- خوئی، معجم رجال الحدیث، ۳۲۵

۱۷- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، موسسه البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

۱۸- [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

۱۹- [www.imamalinet.net](http://www.imamalinet.net)

۲۰- [www.maarefquran.org](http://www.maarefquran.org)